

سخنان پایانی

امیدواریم مطالعه این کتاب باعث شده باشد که به رابطه خود با خدا بیندیشید. پس از مطالعه این درس و پاسخ به همه پرسش‌ها ممکن است از خود پرسیده باشید: «آیا من واقعاً یک مسیحی هستم؟ آیا خدا را می‌شناسم؟ آیا حضور خدا در زندگی من واقعی است؟» اکنون می‌خواهیم به شما فرصتی بدهیم تا با خدا رابطه داشته باشید.

همه ما خطا کرده‌ایم و به خودمان و دیگران آسیب زده‌ایم. نام این کار در کتاب مقدس گناه است، پس همه ما گناهکاریم: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند» (رومیان ۳: ۲۳). گناهان ما، مانع شناخت درست ما از خدا به عنوان پدری با محبت می‌شوند. اما خدا، ما را علیرغم گناهانمان دوست دارد. او آنقدر دوستانه دارد که پسرش را فرستاد تا برای ما بمیرد. «زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد.» (یوحنا ۳: ۱۶). عیسی با مرگ خود، مجازات تمامی گناهان ما را بر خود گرفت.

آیا می‌خواهید مطمئن شوید که عیسی نجات‌دهنده شماست؟ بسیار ساده است:

اعتراف کنید که گناهکار و محتاج بخشش هستید و از خدا دور افتاده‌اید. از خدا بخواهید شما را ببخشد.

با تمامی دل به عیسی ایمان آورید و به او بگویید که او را به عنوان نجات‌دهنده خود می‌پذیرید.

می‌توانید با استفاده از کلام خود، با دعایی شبیه به این، با خدا صحبت کنید:

عیسای عزیز، می‌دانم که شخصی گناهکارم. لطفاً گناهان مرا ببخش. ایمان دارم که تو پسر ابدی خدا هستی. از تو سپاسگزارم که به خاطر گناهان من بر روی صلیب مُردی. به زندگی من وارد شو. حضور خود را

در زندگی من حقیقی کن. امروز پادشاه زندگی من باش. از تو برای اینکه مرا نجات دادی تشکر می‌کنم.

اگر این دعا را از صمیم قلب و با ایمان کامل اعلام کردید، گناهان شما بخشیده شدند و زندگی جاویدان به شما داده شد. عیسی اکنون خداوند زندگی شماست. کتاب مقدس می‌گوید: «ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می‌سازد» (اول یوحنا ۱: ۹).